



www.ariaye.com

what ariaye site is about

NEWS

REVIEWS

EVENTS

FEATURES

## سفر به افریقا و اروپا

سفر ما 12 می 2013 از دبی بسوی یوساکا مرکز زمبیا بعد از سپری نمودن 7 ساعت پرواز طیاره خاتمه یافت .

از یوساکا بدون آنکه از میدان خروج شویم تا هراری به مدت 40 دقیقه در مساحت 500 کیلومتر رسیدیم ، هر دوکشور 13 ملیون نفوس داردو حدود یک فیصد مسلم که جمله در هر دو کشور یک لک را تشکیل می دهند، زنده گی دارد.

زیمبابوی که پایتخت اش هراری می باشد ، یک شهر کلاسیک و افسانوی است، دیوار های چوبی و سنگی اش از قدیم الایام نمایان می باشد در گروپ 20 نفری مان 5 نفر خارجیان به ترتیب ایکه 2 افسر از کشور بنگله دیش، یک نفر از اندونیزیا، یک نفر از مالیزیا و نگارنده از افغانستان اشتراک دارد .

هراری در سال 1980 استقلال خود را از بریتانیا کبیر بدست آورده است و اکنون تغیر چهره نموده است و از سال 1999 سریعاً به پیشرفت های قابل ملاحظه دست یافته است .

از سال 1996 به بعد فعالیت 2 حزب سیاسی در این کشور محسوس بوده است و سالهای 2002 و 2008 انتخابات سالم را پشت سر گذاشته است .



اهالی زیمبابوی از که تامه به زبان انگلیسی تحریر و تکلم دارند و می توانند به آسانی در سایر نقاط دنیا کار و تحصیل نمایند، پول مروج شان دالر بوده و زبان محلی خود را نیز دارند .

در این کشور وسیله خوب حمل و نقل میکرو بس ها بوده که برای اهالی خیلی ها مساعد و سریع و راحت می باشد اما بس اجاره شده بزرگ سفارت هند در هراری خیلی نا کار آمد بود که در عرض راه دوبار خراب گشت و مشکلات زیادی را برای مان خلق نمود .

این کشور از نقطه نظر معادن قیمتی خصوصا طلا خیلی مشهور بوده و دومین کشور از لحاظ ذخایر طلا بوده، پلاتم و ذغال سنگ فراوان دارد در مسیر راه معادن ذغال سنگ را مشاهده کردیم ، کیفیت طلا این کشور عالی است و بدین منظور است که مورد تهاجم دول خارجی قرار گرفته است .

بعد از سقوط اتحاد شوروی در سال 1992 بنابر بر مشکلات واقعی که داشته سیاست زیمبابوی 180 درجه تغیر می خورد و دوستی جدید را با کشور چین آغاز می دارد و کشور چین مانند یک ایالت اش به هراری در تمام ساحات کمک می دارد، تنها کالج مدافعه ملی را به مصرف 96 ملیون جدیدا اعمار ساخته که اولین سال آغاز دروس اش بود ، کشور هند



نیز آرام نه نشسته، ده هزار اهالی اش در اینجا زنده گی دارد و پیشه شان تجارت کمپیوتر و سامان و آلات کمپیوتر و صادرات موتر از طریق دبی به هراری می باشد، در سال 2012 کشور هند به مبلغ یک میلیارد دالر در زیمبابوی سرمایه گذاری کرده است. هندی های مقیم هراری و سایر نقاط حومه آن هندی های گجراتی الا اصل اند که در میان شان مسلمانان نیز وجود دارد که از تیم مان در رستوران بنام تندور و در عرض راه نان شب را با کباب گوسفند و مرغ مسلمانان هند تهیه و مارا به صرف آن دعوت کردند .

شفاخانه با کیفیت و مشهور هراری به کمک دولت هند اعمار و فعال ساخته شده است. با پاکستان نیز روابط بد ندارد و تعداد زیادی پاکستانی ها در اینجا زنده گی دارند طوری که مشاهده کردیم یک نظامی پاکستانی ملبس بایونیفورم اردو زیمبابوی در کالج دفاع ملی این کشور مصروف تحصیل بوده که این کار را افغانها انجام داده نمی توانند شاید بحیث استاد اجرای وظیفه بدارند اما فکر نمی کنم که لباس عسکری کشور دیگری را که غیر مسلم نیز می باشد به تن کنند . به هر صورت از انتقاد پاکستانی می گذرم سه چیز که خیلی خوشم آمد این بود :

- اب و هوا مساعد
- حکومت داری خوب و مورد قبول مردم

## - کلتور عمومی عالی

هراری شهر زیبا و در حال ترقی است. مردم زیمبابوی که سه ملیون اش در هراری زنده گی دارد با بی ثباتی و جنگ مخالفت دارند ، زیمبابوی در همکاری با صلح و امنیت بین المللی قرار دارد، در یک هفته اقامت همه چیز ها روشن بود، در سرک های هراری، بولاوی و هوانگی وویکتوریا انسانها کم گشت و گذار داشتند. هوا هراری نه گرم و نه سرد کاملا مشابه آب و هوا ولسوالی خرم و سارباغ ولایت سمنگان افغانستان ، زمستانش در ماه می آغاز شده که به گردش خوش آیند، ساختمان تعمیر ها اش زیبا و ساخته از خشت های قوی ، سرخ رنگ و روی زمین این کشور سرخ رنگ بوده ولی شهر هایش قابل زیست و آرام .

وزیر خارجه اش آقای مندازا گفت : با اتحادیه افریقا، سودان شمالی، افریقای جنوبی و فلسطین رفاقت داریم با شش کشور همسایه بوده و از جریانات صلح آمیز بین المللی استقبال می کنیم و دایما همکاری خود را اعلان داشته ایم ، کشور ما مدت 90 سال مستعمره بریتانیا بوده، صحت، ترانسپورت و تعلیم در حال انکشاف است، مدتی وضعیت اقتصادی شان خوب نبوده، دلیل آنرا مداخلات انگلیس و امریکا و انمود ساختند ، 400 کمپنی در هراری کار میکند با سایر کشور ها مانند روسیه ، چین روابط دوستانه دارند و با برازیل نیز آغاز گردیده است از سرمایه گذاری هند توصیف بعمل آوردند اما وزیر خارجه در هنگام صحبت اش پریشان حال و مسلط به پالیسی خارجی سخن نمی گفت .

سفارت هند در زیمبابوی خیلی فعال است از آغاز تا آخرین لحظه گروپ را تنهان گذاشته و کمک های زیادی کردند. سفیر هند در هراری آقای تراپتی را که در روز اول تعارف جنرال سرن آنقدر پسند نکرد اما موصوف مرد مهربان و متواضع و دلسوز به وطن اش بود سفیر در صحبت اش با وزیر خارجه از محدودیت ویژه به اتباع هند صحبت کرد و جنرال سرن نیز آنرا تائید و پاسخ های معین را دریافتند.



از یک طرف این کشور با افریقا جنوبی دارنده 63 ملیون نفوس و از جوانب دیگر با کشور های زمبیا، بوتسوانا و موزمبیق همجوار است، زبان ملی شان شرنا ایندیینی بوده و این مملکت دارای 10 ولایت است. دیزاین منازل شان از زمان استعمار بریتانیا سخن میگوید، اما زمین و خانه در شهر هراری خیلی قیمت است. این کشور مانند افغانستان قوای بحری ندارد.

دریا و آبشار مشهور ویکتوریا اش هزاران سیاح را از تمام نقاط دنیا به این کشور میکشاند، کشور محاط به خشکه، با درختان زیاد مثمر و غیر مثمر، جنگلات شنیده شده از تاریخ و گروه های بزرگ از حیوانات مختلف.

رئیس جمهور اش رابرت موگابی که از سال 1980 تا حال رئیس جمهور میباشد و دوست مرحوم داکتر نجیب الله رئیس جمهور پیشین افغانستان نیز بوده است. درسهای زیمبابی بود که در سال 1994 افریقا جنوبی به حیث آخرین کشور مستعمره افریقا استقلال خود را بدست آورد. جنرالان ارتش که با ما بودند مانند جیمس موروزجی، موکولی، موگابی را سخت احترام داشته طلا و پدر ملت خواندند. او رهبر آزادی خواهی این ملت بوده و در حال حاضر 89 سال عمر دارد، افغانستان در حال حاضر در هراری سفارت ندارد.

از هراری تا یوساکا 500 ک م و از هراری تا بوسوانا 700 ک م مسافه است، کرایه یک سه اطاقه در هراری ماهانه 700 دالر امریکائی است، در هنگام پیروزی انقلاب به این کشور شوروی و چین کمک زیاد نموده است.

فامیل های هندی خیلی ثروتمند اند، کوچه هایشان معلوم، مکتب بین المللی و بزرگترین معبد را اعمار ساخته اند و شفاخانه خود را دارند. هندی ها در منطقه نزدیک پایتخت زنده گی

داشته و ساحه شان خیلی سرسبز و شاداب است، کلتور و طرز پوشیدن لباسشان مانند هندوستان میباشد.

بخشی دیگر پلان ما ملاقات با وزیر دفاع زیمبابوی بود که ایشان صحبت مفصل و لکچر پالیسی دفاعی کشور خود را بیان نمود. او متولد 1942 بوده و از جمله انقلابیون روز اول آزادی است. اکنون 71 سال عمر دارد، شخص خوشخوی و شوخ که با ما فوتو های یکجای گرفت.

در مورد رسانه ها نماینده گان حکومت راضی نبودند، از ده هفته نامه چهار آن شخصی بوده، چهار استیشن رادیو و دو استیشن رادیو شخصی فعالیت دارد که توسط خارجیان کمک میشوند.

در هراری تلویزیون ملی نیز فعال است، حوادث، وقایع و پالیسی حکومت را انتشار میدهد. اراضی سفارت هند در هراری 17 هکتار و اراضی کالج مدافع ملی 25 هکتار زمین بوده که در تعمیر کالج کلمات زیاد چینی نوشته شده. این کالج خیلی ها زیبا و مساعد توسط چین اعمار گردیده در حال حاضر 25 محصل از کشور های مختلف مصروف تدریس بوده در این کالج تجهیزات و لوازم مکمل وجود دارد، اطاق های سیمینار، اطاق های تحلیلی، کتابخانه و کمپیوتر خانه اش خیلی مدرن است و مانند کالج های لندن و واشنگتن میباشد. این کمک ها را چین بخاطر نفوذ سیاسی اش به افریقا جنوبی، موزمبیق، بوتسوانا، زمبیا و سایر ممالک قاره افریقا به خاطر الگو شدن انجام داده است.

محل دیگر بازدید ما از منار آزادی، منار سپاهی گمنام، قهرمانان ملی شان اعم از ملکی و نظامی و آنانیکه در راه آزادی جان های شیرین خود را از دست داده اند و سخت مورد احترام اند. در آزادی زیمبابوی یک تبعه هندوستانی و تعداد زیادی از ممالک همجوار نیز قربانی داده اند که اسمهای شان درج خاطرات این بنا ها بود از فامیل موگابی تعداد زیادی شهید شده اند. این ساختمان ها را بشکل بسیار عالی آن کوریا شمالی کمک نموده است. گالری ملی شان نهایت عالی و انعکاس دهنده موجودیت این خلق مبارز در ادوار مختلف تاریخ میباشد.



در هراری 3000 انجو کار میکند مردم محل با زراعت سر و کار دارند و تولیدات خوب دارند. پس از انقلاب صادرات شان با ایران قطع گردیده و به گفته وزیر زراعت اکنون خود

کفا گشته ایم و از برکت فعالیت های دموکراتیک به نتایج خوب دست یافتیم. از کشور های مالیزیا و اندونیزیا واردات داریم. 20% نفوس این کشور در محلات و 80% در شهر ها زنده گی دارند.

سرانجام بتاريخ 18 می ویکتوریا را بسوی جانسبورگ افریقا جنوبی بسواری طیاره ترک کردیم برون از جانسبورگ نبودیم ولی چنان یک میدان هوایی وسیع طویل که همه چیز و همه دکان هایش چه چیز را که میخواهی در این شهرک دیده میشود. این شهر خیلی زیبا و سرسبز بود و معادل شهر ادینبورگ سویدن میباشد. خاطرات سفر ما به جنگلات هوانگی، اخذ تصاویر سیاحت در کشتی با رهنما، تماشا ده ها نوع حیوانات به سر و چشم و بویژه استقامت در یک هتل به فاصله یک کیلومتر از آبشار مشهور ویکتوریا هرگز فراموش ناشدنی است. آبشار از چند کشور میگذرد و به عمق 800 متر به زمین می افتد و عجالتا باران را برسرت می آورد.



همه با لباس مخصوص حرکت کرده اند، فرانسوی ها، امریکائی ها، انگلیس ها و غیره. بازار تماشا این آبشار را سیاحین سخت گرم ساخته و شهر ویکتوریا را پر آوازه و قیمتی ساخته است. در مقابل هتل رستوران بزرگ اما خیلی قیمتی را اخذ موقعیت و صرف غذا



کردیم با آن هم به تناسب میدان هوایی پاریس که دو گیلانس چای سبز را استاد عبدالحمید خرم \$21 برایم خرید و یک فوتو کوچک را \$20 پرداخت قیمت محسوب نمیشود. ما بتاريخ 18 می دوباره به دبی آمدیم و بتاريخ 19 می در میدان هوایی گلسگو جمهوری سکاتلند بودیم. تاپه دخولی بر فرق پاسپورت ها زده شد و دو روز در سکاتلند زیبا مهمان جنرال قنسل هند شدیم. از قرارگاه کشتی رانی، بحیره ماهی، محلات تاریخی (قلعه جنگی)، پارلمان



و شهر ادینبورگ پایتخت این جمهوری باز دید طرح ها و سوالات خوب داشتیم. مردم مهمان نواز و زیبا سکاتلند از ما استقبال گرم نمودند و 21 می بسوی لندن سفر نمودیم و در هتل بزرگ و قیمتی شهر لندن جوار پارلمان و برج بزرگ ساعت مرکز انگلستان استقامت گزیده تا 25 می به سفر رسمی خود ادامه دادیم و روز شنبه بخاطر گذراندن دو هفته دیگر تا 9 جون از هم جدا و متلاشی گشتیم اما در چهار روز موجودیت رسمی در لندن:



مقدم بر همه باید افزود سوالات که نگارنده از وزرای حکومت انگلستان و زیمبابوی و اعضای پارلمان سکاتلند نموده ام تکرار آنرا ضروری نمیدانم، سوالات خیلی عالی و سنجیده شده اما به گفته تیم پاسخ ها ضعیف به نظر میرسید. 21 می با صرف پیزه های تهیه شده از جانب الحاج دگروال شفیع الله خرم عندالموقع رفیق های سفرم را راحت ساختم. شفیع الله خرم 46 مین دوره کورس کالج مدافع ملی هندوستان بوده فعلا در لندن زنده گی دارد. رفقا کالج راجع به این افسر معلومات گرفتند و برایشان گفتم چون ایشان مقام خوب در اردو افغانستان حاصل نکردند متاثر گشته زنده گی مهاجرت را پذیرا شدند. شفیع الله خرم اولین افسر بود که در حاکمیت داکتر حامد کرزی بنابر لیاقت اش به این کالج راه یافت.



گروپ ما مهمانی موصوف را همیشه توصیف میکرده اند، بعد از ظهر 21 می عاجل طبق پلان به وزارت دفاع رفتیم و مدیران بخش های مختلف این وزارت با تفکیک اجندا خصوصا در مورد افغانستان بحث های علیحده داشتند و توضیحات دادند. در مساله افغانسان و پاکستان گروپ با سخنرانان توافق نکردند، گپها به درازا کشید. مدیر مبارزه با تروریزم از بخش وزارت داخله علنا در پاسخ به سوالات معذرت خواست.

نان شام را طور مجلل وزارت دفاع لندن به ما داد و این روز را خوب اما خسته سپری کردیم. 22 می به وزارت خارجه پس از طی مراحل دقیق و مختلف کنترول امنیتی صحبت های مسولین خارجه را فورمولیته استماع نموده فوتو ها گرفتیم. آب و هوا مساعد نبوده همه احساس خسته گی داشتیم. نان چاشت را آنجا صرف و بعد از ظهر ملاقات با عضو پارلمان انتصاب شده هندی الاصل که پدرش افسر اردو هند بوده در رکشا باون زنده گی و کالج مدافع را ختم کرده داشتیم. این شخص پارسی نام داشت، انسان خیلی ها خوش برخورد، مهربان و ما را در تمام ساحات پارلمان، راه های رفت و آمد ملکه الیزابیت، موزیم، هال پارلمان در دو طبقه، اعمار تعمیرات پارلمان و بحر نزدیک پارلمان، تصاویر تمام صدراعظم های بریتانیا با تاریخچه شان معلومات داد. معلوم گشت که وکیل پارسی یک

شخصیت نیک آسیایی بوده با آنکه شهروند انگلستان می باشد، خصوصیات کاملاً شرقی داشته مهمان نواز، با حوصله، مسلط بر اوضاع و زبان انگلیسی.



این وکیل مانند وزیر دفاع زیمبابوی، جنرالان هراری بر من توجه خاص نمود، وکیل پارسی ما را به داخل جلسه پارلمان در مجلس نماینده گان برد و زمان بود که وزیر فواید عامه مملو از عرق در دهلیز با این وکیل ملاقی شد. او را در حالیکه سراسیمه بود ملاقات کردیم. به منزل دوم رفتیم و جریان قضاوت در مورد وزیر استماع شده را شنیدیم. اعضای پارلمان بدون این وکیل همه کهن سال بودند، بحث های زیاد می کردند ولی ما کمتر میشنیدیم. خیلی وقت ما خوب گذشت از اسناد تاریخی و محلات تاریخی پارلمان تماشا و ساعت بزرگ را با تعمیر پارلمان آقای پطروس اندونیزیایی عکس برداری کرد و در مقابل پارلمان کلیسیا قدیمی که تخریب نگردیده قرار داشت تمام این تعمیرات از 500 سال سابقه دارند، پس از آن دوباره به هتل برگشتیم و برای رفتن به سفارت خانه هند که در عین حال مهمانخانه شان محسوب میگردد دعوت بودیم داکتر بگواتی سفیر هند مقیم لندن شخصیت عالی جناب و خیلی هوشیار و خوش برخورد با هر یک مصافحه کرد و به 5 افسر بین المللی توجه ویژه نموده راجع به مشکلات و پیروزیهای کشور های مان تماس گرفت، سفیر هند یک ویژه گی خاص داشت خیلی شفاف و روان صحبت داشت دانش عالی و جذابیت فوق العاده داشته از همکاری

های کشور های سارک رضایت نشان داد او مهمانی خوب برای مان برگزار نمود و تمام اتشه های نظامی ( هوایی،بحری واردو) اش را موظف خدمت گذاری بما کرده بود . در مهمانی شان افسران وزارت دفاع لندن نیز اشتراک کرده بودند.وکیل پارسی دومجلس را 1400 تن از احزاب لیبرال دموکراتیک و محافظه کار خواند.داوید کامرون صدراعظم کنونی از حزب محافظه کار بوده وچندین بار در مورد افغانستان استماع شده است .



در وازه های پارلمان لندن خیلی انتیک و قدیمی بوده شبه موزیم را دارد و تصور می شود که از افغانستان ، پاکستان ویا هندوستان اینجا آورده شده باشد یک بار به فکرم در وازه زیارت بابہ قمبر ولسوالی خرم و سارباغ افتید که شاید در همین سالها آورده شده وبه پارلمان انگلیس تسلیم کرده باشند . نماینده خارجه از روابط دیپلماتیک شان با 270 کشورکه با 170ان مناسبات رسمی دارند سخن گفت وافزود که 13000تن در سفارت خانه ها کار می کند و 9000 کارمندان محلی دیپلومات مشغول اجرای وظیفه اند .

وزارت دفاع انگلستان از فعالیت اکادمی دفاعی،کالج قوماندانیت وقرارگاهی، کالج اداره و تکنالوژی وانکشاف دوکتورین صحبت زیاد کرد ورییس ارکان اکادمی دفاعی از ایجاد کالج دفاعی، در سال 1970 وفعالیت انرا در 1927 وانمود ساخت .

در بحث افغانستان کمتر همه مان احساساتی شدیم و این اولین بار بود که افسران هندی با صداقت از مردم افغانستان دفاع کردند مانند معاون خارجی کالج آقای سری شیواستوا که در ختم سفر مان اطلاع تقررش بحیث سفیر هند در دنمارک رسید و دیگری جنرال سودا کارجی بود که مرا حمایت کرد . افسران هندی و بین المللی در جریان 5 ماه در همصنفی بودن نگارنده و تبلیغات یومیه ام از کشته شدن و زخمی شدن هموطنان ام آگاه بوده به یک صدا فعالیت قوای ناتو و ایساف را در قبال آوردن صلح و ثبات در افغانستان ضعیف خواندند. انها عملیات تروریستی پاکستان را شدیداً تقبیح و از حقوق حقه خلق فلسطین نیز دفاع کردند و به عوض پاسخ به سوالات غربی ها همیشه طرفه می روند آنها از کالج مطالعات دفاعی رویال و اکادمی افسران شان و از اعمار اکادمی افسران به کمک بریتانیا در قرغه کابل یاد آور گشتند، 23 می در بخش بحیره (کشتی رانی) وزارت تجارت رفتیم معلومات های زیاد راجع به ساختمان، طرز کار و فعالیت این کشتی که در حقیقت یک شهر بزرگ با تمام امکانات می باشد داده شد و چندین ساعت پایین و بالا در داخل کشتی گشت و گذار کردیم اما تدابیر خاص امنیتی بدون عکاسی و با تمام سیستم های کشتی آشنا شدیم نان چاشت را قوماندان کشتی رانی در یک محل خوب و سر سبز زیر فشار بارانهای اذیت کننده لندن که گاهاً با سرک های تنگ و مزدحم اش چندان خوش آیند نمی باشد ، جوانی کرد.

از این ساحه در عقب گرد ساحات خشک شده را مشاهده کردیم که در اراضی خشکه آنها گم شده و تعداد زیاد کشتی ها بدون مالک باقی مانده اند. دوباره به شهر آمدم و بعد از ظهر گالری ملی را که بخش از آثار کشور های جهان در ان به نمایش گذاشته شده بشمول جنوب اسیا ، مشاهده کردیم از راهنما راجع به الماس کوه نور پرسیدم بجواب ام گفت در موزیم ملی جای دیگری است بروید و با پرداخت 19 پوند شما می توانید انرا مشاهده کنید در بخش هند چیزهای جالب بود که از دوره های قدیم، سوری ها، بابریان و استعمار انگلیس حکایت می کرد .



روز دیگر 24 می تماشا وگشت وگذارمان در چوکات رسمیات به نقاط عمده شهر متمرکز گشت به ما خانه ملکه، قصر ملکه شهر ملکه و منازل کترینا کیور ، شاهرخ خان وامیتابچن، وزارت خارجه، دفاع وامنیت ملی ، هوتل قیمتی که در یک شب 1000 پوند اخذ می دارد، بحر ، پل ها وسرک ها، چرخ فلک را توسط راهنما با وجود باران زیاد در داخل کشتی که جنرال جین را سخت سراسیمه ساخته بود نشان دادند تا یک روزایکه بدون مضمون ماندیم به چنین شکل سپری گردد . بازهم باردیگر ما را در اطراف قصر پارلمان وساعت بزرگ چرخاندند وپروگرام دولتی و رسمی در همین جا عصرانه خاتمه یافت وهرکه به کلیه ویرانه اش رفت ودیگر سراغ کسی را ندارم .شب 24 بر 25 می با وجود سپری نمودن برنامه خسته کن رسمی احمد جاوید خرم وهمسر اش به دیدن ما آمدند واطلاع آمدن برادرم را بعد از 18 سال اورند که به خوشی های سفرم به افریقا واروپا افزود با استفاده از موجودیت همین شب در قلب شهر لندن احمد جاوید وهمسر مهربانش نگارنده وهمسرم را به بسیاری نقاط شهر از کوچه ها وپس کوچه ها ، شاپ ها بزرگ ، ومجسمه های زیاد آشنا ساخت برای خریداری چتری ها با نجیب الله لغمانی که یک دیگر را از لهجه شناختیم ، آشنا شدیم که رسم افغانی را ادا کرده 2پوند ارزان داد وبا 2 تن ایرانی نیز ملاقی شدم وسر انجام شب آخر را آرام وآرام در هوتل کرون پلازا در اتاق نمبر 180 به مثابه روز های عسل در 55 سالگی

سپری کردیم این هتل نمایی پیچیده و خم و پیچش زیاد دارد و تصادفا همین شب محفل یکی از ثروت مندان هندی را تماشا نمودیم هتل خیلی دلچسپ و تاریخی از لحاظ ساختمان بوده با صرف نهار صبحانه ساعت 9 بجه هتل را ترک کردیم احمد فرید خرم و نواسه ام ادريس جان خرم به تایم معینه به همین آدرس آمده بی بی وبابه را بسوی ایالت کینت شهر میستون بردند که دیگر بخش سپری کردن روز های رخصتی به حساب شخصی می باشد که از 25 می آغاز و 8 جون خاتمه می یابد این بخش نیز خالی از دلچسپی نیست هدف از نگارش دادن معلومات به دوستان است که به سایت آریایی رفته تا نشر کتابم بنام تجارب هندوستان از سفر بنده مظلوم و عاجز لذت برند که بعد ها مانند سفر به امریکا تلخی های خود در قبال دارد.



پس از گذشت 18 سال بزرگترین خوشی در همین سفر دیدار با برادرم استاد عبدالحکیم خرم مقیم سویدن بوده که موصوف قبلا به من و همسرم دعوت نامه را ارسال کرده بود تا یک دیگر را ببینیم او مصروفیت جدی و مریضی طولانی داشت که در این مدت ها به افغانستان آمده نتوانست شب شنبه 25 بر 26 می من و پسر من به استقبال اش رفته و خیلی خوش بودم و یک هفته کامل را تا 3 جون در لندن سپری کردیم به منازل جاوید خرم، احمد فرید خرم، غیاث الدین خرم، رفیع الله نوید، امین خان که از مانچستر با خانواده به دیدار ما آمده بودند و خیلی ها زحمت کشیدند و انجنیر گل محمد و در کلاسگواز مهمان نوازی الحاج محمد رفیق



باید یاد اوری کرد که با آنکه شخص کهن سال و قابل قدر اند از هوتل مارا برداشتند و قصه های زیادی از سمنگان داشتیم در لندن صابر تخاری ،مدیر صاحب نواب خان، انجنیر محمد علی، داکتر صابر و هزار گل و غیره و دیگر دوستان به ملاقات از راه های دور با وجود مصروفیت های فراوان حضور یافتند سازماندهی همه را الحاج ارکانحرب دگروال شفیع الله خرم به عهده داشت و هر دو پدر کلان نواسه های مشترک ایم خیلی در سازماندهی ملاقات با برادرم پروگرام منظم را طرح ریزی کرد قصه ها زیاد داشتیم اما وقت بسیار کم ، ونمی دانستم از کجا آغاز شود و هیچ فرصتی بدون از یک دو ساعت در میدان هوایی پاریس باقی نماند تا صحبت دو به دو برادری نماییم ، بهر صورت خرمیان مقیم لندن ما را به جا های مختلف که اسمای محلات را فراموش کرده ام مانند پل بزرگ ایکه از حمل و نقل وسایط پول اخذ می دارد ، به بازار نو ایجاد شده حومه لندن، پارک گرینویچ، دانشگاه گرینویچ کله سیاه که در زمان جنگ های قدیم هزاران انسان کشته شده در زیر این خاک ها مدفون می باشد وساحه ان خالی، هموار و تپه خوب است و خط ایکه جهان را به شرق و غرب تقسیم نموده وهکذا از بزرگترین مرکز تجاری در لندن بنام واتر بلیو که ساحات خیلی زیبا ودر چند طبقه مغازه های عجیب و غریب داشت نشان دادند که باری در سال 2004 به برادرم عبدالحکیم خرم نسبت عکس برداری اش در همین ساحه پرابلم بزرگی که تا چندین سال در بین سویدن ولندن دوام کرده بوجود آمده است تا اینکه این دوسیه بز نداری غم بخر پس از تکلیف زیاد از سیاهی به سفیدی انهم به مشوره حاجی محمد اجان و محترم عبدالرزاق خان مبدل می گردد، این پرابلم چند سال دوام میکند و مورد پرسش دستگاه امنیتی قرار میگردد که حتی مانع سفرش به افغانستان میگردد و حتی مشکل طولانی را در پناهنده شدنش نیز بمیان آورده است. این قبیل حرف ها بسیار است و نمیتوان از همه مثال ها را برملا ساخت. مناطق مختلف انگلستان علاوه بر سفر رسمی از ایالت کینت شهر زیبا و کلاسیک مایستون و حومه آن مارکیت ها و منازل تاریخی و قدیمی اش نهایت دلکش و زیبا است. مهمانداران ما در کنار بحر میان انگلستان وفرانسه که آنسوی بحر شهر های فرانسه به وضاحت دیده می شد ودر انجا مهمانی صحرائی را تشکیل دادند واز جا های تاریخی این مناطق دیدن کردیم اما احمد فرید خرم در این ضیافت صحرائی وخیلی ها دلچسپ و دسته جمعی اقارب اشتراک نورزید که آغاز سیاه روزی ها دیگری به پدر ومادرش پس از مریضی های طولانی ومزمن زردی سیاه و عملیات در هند وتنها یکسال گذشته بود که غم واندوه اقارب نزدیک ما که وفات نموده ویا به شهادت رسیده بودند فقط در حالت فروکشی قرار داشت که پرابلم های دیگری وپریشانی ها تازه ظهور کرد که از بحث خارج می باشد زیرا موضوع کاملا شخصی است.



بهر صورت هرشب پلو های ازبکی را در اختیار مان قرار می دادند که به صبحانه وچاشخانه دیگرجایی باقی نمی ماند استاد حکیم غذا کم می خورد وساعت ها گردش داشت تا سپورت خودرا رها نکند ولی در ماه مبارک رمضان کمر بسته در دهلی با چنان گرمی روزه گرفتم که خیلی لاغر شدم هم خرما وهم ثواب را حاصل کردم .

به تعداد 40 تن خانمها و آقایون اطراف ما را حلقه زدند شب ها قصه های افغانستان را می کردیم، به حالت مردم ما می اندیشیدیم تا چگونه از جنگ رها یابند وتکیه را بر خداوند می کردیم .صبحدم 3 جون با استفاده از تکت قبلا ریزرف شده توسط استاد حکیم به سوی شهر ادیمبوری سویدن امیدم پاسپورت سرخ رسمی نگارنده در افریقای جنوبی میدان هوایی سکاتلند وبه میدان هوایی ادیمبوری جالب بود زیرا چند دقیقه موظفین در میدان هوایی به سوی هم دیدند وسرانجام خوش امیدد گفته تاپه شیگین را بالای ویزه کشور فرانسه نصب کردند . روز اول از نقاط مختلف شهر، ساختمان های جدیدا اعمار شده ، ساحه تعلیمی، موسسات عالی تحصیلی وبازار بزرگ (مارکیت ) شهر دیدن کرده واز شاپهای دوست عزیزم رزاق خان تماشاشا ودو باره به منزل استاد برگشتم برادرم عبدالله از ناروی، محترم داکتر صاحب وحید از مسافه خیلی دور ، پرویز خرم، حاجی صاحب حبیب خان وبرادر

خوانده ام محمد اسحق از راه های دور و بویژه یوسف شاهرخى و کیهان خرم ، یما شاهرخى و دنیل خرمى خوب بدرقه نمودند.



فردای آن طور دسته جمعی هر چهار برادر به فاتحه مادر انجینیر فرید مزارى رفتیم، آنرا ادا و بساحه کار انجینیر عبدالوهاب خرم نظری انداخته و نقاط باقی مانده شهر، دواير دولتی، کلینیک ها و مکاتب و رسته دکاکین را تماشا و عصرانه را با جمعی از بیست تن دوستان افغانی خویش صرف و بحث های چند ساعته مانند محافل در افغانستان در تمام مسایل، خیلی دلچسپ و خوش آیند که دعوت شونده گان از نقاط مختلف افغانستان و اقوام گوناگون بودند، داشتیم. یک اشتباه بزرگ از من سر زد که چهار برادر یکجا شدیم و فراموش کردم تا یک قطعه عکس چهار نفری بطور یادگار بدون از برادرم عبدالحمید که در سمنگان است میگرفتیم و فکر نمیکنم تا چنین چانسی در آینده میسر گردد، در بحث های که دوستان همچو آقایون حاجی رحمت الله سمنگانی، انجینیر عبدالصمد، حاجی ظاهر بای سهم فعال داشته و نظریات عالی ارائه میکردند که با شوخی ها و طنز های ادبی عبدالرزاق سمنگانی یکتن از سرمایه گذاران افغانی در سویدن تقویه میگشت که همه دوستان احساس عالی میهن دوستی داشتند. برادرم مانند گذشته ها زحمات زیاد را متحمل گشت باز تکت بس را آماده ساخت و

آمدیم.

دنمارک

بسوی

جون

5

بجه

8

ساعت



از سرحد پل بزرگ سویدن گذشته به مرکز دنمارک کونهاگن رسیدیم که استاد حمید الله مهرورز و محترم نور احمد خرمی به استقبال ما حاضر و با تقدیم دسته های از گل ها به تیپ اروپائیان چه در دنمارک و چه در میدان هوایی سویدن پذیرائی شدیم. نور احمد خرمی ضیافت خوبی را چاشخانه تشکیل داد ولی با تاسف که با وجود تماس های مکرر تیلیفونی از ملاقات با برادر بزرگ و دوست دانشمند خویش آقای نور محمد خرمی نسبت بعد فاصله محروم ماندیم که وعده دیدار بعدی را پلان نمودیم. ساعت 4 حرکت را بسوی هامبورگ جرمنی دنبال کرده که در آنجا حاجی شفیع الله انصاری، هوشنگ انصاری، راشد وجدان و نور احمد وجدان به انتظار ما بودند. از شهر های زیبا میگذریم که به جرمنی نوشته شده ولی خوانده نمیتوانیم و اسمای محلات را نمیدانیم. استاد نیز آنقدر بلد نبود. این بار پس از گذشت از بحر عظیم بداخل کشتی 45 دقیقه که شهر بزرگ است و تمام چیز ها یافت میشود و مانند میدان هوایی جهانسبورگ بود داخل آن شده بحر را تماشا و از داخل تونل پای به خاک جرمنی ماندیم دیگر پرسش از پاسپورت و ویزه وجود ندارد. از چند شهر مشهور و سرحدی اش گذشتیم و ساعت 10 بجه شب به ایستگاه بس هامبورگ رسیدیم. حاجی شفیع مارا برداشت و پس از معرفی محلات مختلف و تاریخی شهر هامبورگ زیبا که تعداد زیاد افغان



ها اینجا مهاجر اند  
حاجی شفیع رسیدیم. حاجی از دفتر کاری اش سه یوم با موتر تکسی اش اجازت اخذ کرده

بود تا شهر هامبورگ را به ما نشان دهد و همین کار را عملی ساخت. از جاهای تماشا شده که اسمای طولانی دارد صرف نظر میکنیم. شب 7 بر 8 جون تکت های بس را به ما خریداری و در یک بس کوچک 15 نفری بسوی فرانسه در حرکت شدیم. مسیر راه خسته کن نبود. ابتدا به هالند سپس بروکسل را طی نموده و دو شهر فرانسه را نیز عبور نموده به پاریس رسیدیم. پاریس واقعا عروس شهر ها است و اگر لندن باغ دنیا باشد. در چند ساعت باقی مانده بشمول برج ایفل فوتو های اخذ کردیم و 10 بجه شب 8 جون پاریس را به قصد دهلی ترک و با برادر الوداع کردم و در طیاره سخت آرام بودم و در کنار چپ و راستم کسی موجود نبود راحت استراحت کردم، 11 بجه 9 جون به دهلی گرم رسیدم جزئیات این سفرها را نمیتوان بدرستی رقم زد، گوشه از این خاطرات فراموش ناشدنی که در ذهنم باقی مانده بود به تحریر آمد، دیده شود که دیگر سرنوشت مارا به کجا میکشاند.





دهلی جدید

نویسنده: عبدالواحد خرم اگست ۲۰۱۳